

The capacities of Afghan immigrants in the connection between Iran and Afghanistan

Habib o llah Fazeli ¹
Mohammadreza Sharaf²

Received Date: 26 Jun 2021
Reception Date: 21 Sep 2021

Abstract

This article examines the capacities of Afghan immigrants in the connection between Iran and Afghanistan. The main question that arises here is how the capacities of Afghan immigrants in Iran can lead to an increase in the connection between the two countries? The main hypothesis of the article is that Afghan immigrants have economic and cultural capacities that can be used to expand ties and increase the soft power of the Islamic Republic in Afghanistan. On the other hand, the presence of these people in Iran and educating the educated can Provide the interests of this Persian country for losses in Iran. The results of the research also show that the presence of more than 3 million Afghans in Iran has mutual benefits for the two countries. These people who are working and studying in different fields with cultural and economic capacities will increase the mutual influence of the two countries. Be. The research method in this research is qualitative and descriptive-analytical and the data is collected through a library and by taking notes from various sources.

Keywords: Immigrants, Afghanistan, Iran, Economy, Culture

¹ . Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran (Corresponding Author) h.fazeli@ut.ac.ir

² . PhD student of Azan University, Science and Research Branch

ظرفیت های مهاجران افغانستانی در پیوند ایران و افغانستان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

حبیب اله فاضلی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

محمدرضا شرف^۲

چکیده

این مقاله به بررسی ظرفیت های مهاجران افغانستانی در پیوند میان دو کشور ایران و افغانستان می پردازد. سؤال اصلی که در اینجا مطرح می شود این است که چگونه ظرفیت های مهاجران افغانستانی در ایران می توانند به افزایش پیوند دو کشور منجر شود؟ فرضیه اصلی مقاله این است که مهاجران افغانستانی دارای ظرفیت های اقتصادی و فرهنگی هستند که استفاده از آنها می تواند باعث گسترش پیوند و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی در کشور افغانستان شود و در طرف مقابل، حضور این افراد در ایران و تربیت قشر تحصیلکرده می تواند منافع این کشور فارسی زبان را در ایران تامین کند. نتایج تحقیق نیز نشان می دهد که حضور بیش از ۳ میلیون افغانستانی در ایران دارای منافع متقابل برای دو کشور است این افراد که در حوزه های مختلف مشغول به کار و تحصیل می باشند با ظرفیت های فرهنگی و اقتصادی به افزایش نفوذ متقابل دو کشور منجر می شود. روش تحقیق در این پژوهش کیفی و از نوع تفسیری است و داده ها از طریق کتابخانه ای و به شیوه فیش برداری از منابع گوناگون جمع آوری شده است.

کلمات کلیدی: مهاجران، افغانستان، ایران، اقتصاد، فرهنگ

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
(h.fazeli@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی (سیاستگذاری عمومی)، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

مهاجرت پدیده‌ای است که در دو عرصه بین‌المللی و داخلی رایج است و هر ساله میلیون‌ها نفر با انگیزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی دست به مهاجرت به خارج از مرزهای کشورشان می‌زنند. افغانستان پس از سوریه بیشترین تعداد پناهندگان به کشورهای اطراف (عمدتاً ایران) در جهان را دارد. و نزدیکی ایران و پاکستان به افغانستان عمده‌ترین دلیل مهاجرت آنها به این کشورها است (UNHCR, 2019; UNION-Migration, 2020). هر ساله هزاران نفر از مردم این کشور به دلایل آشفتگی‌های سیاسی، جنگ داخلی و مسائل مربوط به طالبان، کمبود ظرفیت‌های اقتصادی و ... به خارج از مرزهای کشورشان رهسپار می‌شوند و ایران از دیرباز به عنوان مهم‌ترین مقصد مهاجرت مردم افغان شناخته می‌شده است. با توجه به همجواری ایران و افغانستان، مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران پدیده‌ای جدید نیست، قدمت دیرینه‌ای دارد و ارتباط تنگاتنگی با پدیده‌هایی چون جنگ، ناامنی، فقر و بیکاری دارد. در افغانستان عوامل دافعه و طردکننده بسیاری وجود دارد. جنگ به عنوان اولین عامل طردکننده در طول ۳۰ سال در این کشور در جریان بوده است که به دنبال آن فقر و بیکاری گسترده‌ای در سطح کشور گسترده شده است. علاوه بر اینها فساد شدید اداری، تبعیض‌ها، اختلاف شدید طبقاتی، اختلافات قومی و قبیله‌ای و ... از جمله مهمترین دلایل مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران شناخته می‌شود. امروزه میلیون‌ها مهاجر و پناهنده افغانستانی در سراسر ایران پراکنده شده‌اند و بر اساس تئوری مهاجرت راونشتاین ایران را که نزدیک‌ترین و در دسترس‌ترین مقصد غنی و امن موجود بوده است را برای مهاجرت انتخاب کرده‌اند. ایران به عنوان کشوری با زبان مشترک (فارسی)، مذهب و فرهنگ مشترک، آیین‌های مشترک (عزاداری، ازدواج، نوروز و ...) و داشتن موقعیت اقتصادی رفاهی بهتر از افغانستان، همواره برای افغانستانی‌ها مقصدی جذاب بوده است (یوردخانی، ۱۳۹۱).

اگرچه سرعت بالای مهاجرت می‌تواند در کوتاه مدت مشکلات سیاسی - امنیتی، اجتماعی و اقتصادی مهمی را برای کشور مقصد ایجاد کند، اما مطالعات نشان داده است که در طولانی

مدت، پیوند میان دو کشور را تقویت می‌کند. افزایش نیروی کار جوان ناشی از ورود مهاجران بر رونق تولید و اقتصاد کشور و افزایش قدرت سیاسی اقتصادی آن در مقابل سایر کشورها تاثیر بسزایی دارد، میتواند روند نوسازی و توسعه را تسریع بخشیده و جایگاه کشور را در مقابل سایر کشورها ارتقا دهد (Dustmann, Frattini, & Halls, 2010). در واقع حضور مهاجران افغان در کشور ایران با وجود مشکلات و مخاطراتی نظیر افزایش جرم و جنایت، افزایش ساکنان بدون شناسنامه، اشغال بازارکار و سرمایه و ... که به همراه داشته است، امکان ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را نیز فراهم کرده است که با وجود اهمیت اساسی پژوهشی که دارد در کمتر مطالعه ای مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. عمده مطالعاتی که تا کنون صورت گرفته است، تبعات منفی حضور افغانستانی ها در ایران را مورد بررسی قرار داده اند و ظرفیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و ... حضور این مهاجران مد نظر پژوهشگران قرار نگرفته است. از این رو مطالعه حاضر در صدد است ظرفیت های مهاجرین افغانستانی که منجر به ارتقای پیوند جمهوری اسلامی ایران و افغانستان می‌شود را از ابعاد و جنبه های مختلف علی الخصوص شاخصه های فرهنگی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

اهداف و پرسش های پژوهش

با توجه به توضیحات فوق، هدف مقاله حاضر بررسی همه جانبه ظرفیت های حضور مهاجران افغانستانی در ارتقای پیوند میان ایران و افغانستان است. بدین منظور فواید حضور مهاجران افغانستانی از جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و علی الخصوص فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار میگیرد تا مسائلی که میتواند در تقویت ارتباطات بین دو کشور و افزایش قدرت نرم هریک از این دو مفید باشد مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

عمده مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته است بر معایب حضور مهاجران افغانستانی در ایران تاکید دارند به طور مثال در مطالعه ای امامی و تاج الدین به تحلیل اثرات مهاجرت

افغانستانی ها بر آسیب های اجتماعی و اقتصادی در ایران پرداختند و نتیجه گرفتند که حضور مهاجران افغانستانی می تواند منجر به بروز مشکلات اجتماعی از جمله؛ بروز نابسامانی های خانوادگی، مشکلات بهداشتی، بزهکاری و ناهنجاری های اجتماعی، ازدواج های غیرقانونی و ثبت نشده و کودکان فاقد شناسنامه شود. و همچنین این حضور باعث ایجاد مشکلات اقتصادی می گردد، که مهمترین آن مساله اشتغال اتباع خارجی به جای شهروندان ایرانی است (امامی تاج الدین و جهانی، ۱۳۹۸: ۹۷). در مقاله حسینی و همکاران (۱۳۹۷)، ورود مهاجران افغانستانی و میزان و شدت اثرگذاری فشار مهاجران بر نیروهای طرف عرضه در بازار کار ایران با استفاده از الگوی خودرگرسیونی با وقفه های تاخیری در دوره ۱۳۹۳ - ۱۳۵۸، مورد بررسی و آسیب شناسی قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان میدهد که افزایش مهاجرت از طریق فشار بر عرضه نیروی کار منجر به تشدید بیکاری در بازار کار ایران شده است (حسینی، باصری و عباسی، ۱۳۹۷). عیسی زاده و مهرانفر در مطالعه ای که با استفاده از داده های سری زمانی و روش حداقل مربعات معمولی در اقتصادسنجی، به بررسی تأثیر حضور مهاجران افغانستانی بر نرخ بیکاری کل ایران میپرداخت بیان کردند که مهاجران افغانستانی که عمدتاً کارگران غیرماهر و غیرقانونی هستند، مشاغل سخت و طاقت فرسا را با دستمزدهای پایین بر عهده می گیرند و می توانند به رقابت با نیروی کار غیرماهر داخلی بپردازند. نتیجه مطالعه حاکی از این بود که طی دوره مورد بررسی (۱۳۸۵ - ۱۳۵۵)، حضور مهاجران افغانستانی در بازار کار ایران، نرخ بیکاری کل کشور را افزایش داده است. در واقع، آنها جانشین نیروی کار ایرانی شده و فرصت های شغلی را از دست آنها ربوده اند (عیسی زاده و مهرانفر، ۱۳۹۲). در مطالعه ای توسط کریمی موعاری برای تخمین تأثیر مهاجرین افغان بر نرخ بیکاری از معادلات رگرسیونی تخمین زده شده استفاده شد. نتایج این محاسبات نشان داد که کارگاران افغانستانی در استانهای پرنوقی همچون تهران، اصفهان، خراسان مشغول به کار شده اند که تقاضا برای نیروی کار ساده در آنها بالا بوده است و باعث شده اند نرخ بیکاری جمعیت ایرانی در کل کشور بالا رود (کریمی موعاری، ۱۳۸۳).

برخی مطالعات نیز به وجود تشابهات فرهنگی بین ایرانیان و مهاجران افغانستانی که می‌تواند زمینه ساز ارتباط بین این دو گروه باشد، پرداخته‌اند. به‌طور مثال بشیر و کاشانی در مطالعه‌ای با بررسی ارتباطات میان فرهنگی افغان‌های مقیم ایران با ایرانیان بر پایه نظریه هم‌فرهنگی بیان نمودند که با توجه به زبان، دین مشترک در میان این دو ملیت وجود تشابهات فرهنگی نیز می‌تواند موجب احساس غربت و بیگانگی کمتری را به مهاجران و جامعه میزبان القا کند با این حال تجربیات دهه‌های اخیر نشان داده است که علیرغم حضور سه نسل از مهاجران افغانستانی در کشور تجربه‌های تلخی در تعاملات و ارتباطات گروه‌های دوستی، کاری، اجتماعی و... تجربه کرده‌اند. (بشیر و کاشانی، ۱۳۹۸)

موسوی در مطالعه‌ای که روی نسل دوم مهاجران افغانستانی ساکن ایران انجام شده بود نتیجه گرفت بین نسل دوم مهاجران با والدین‌شان از نظر فرهنگ و بافت فرهنگی تفاوت‌های حاصل شده و نسل جدید بسیار به ایرانیان نزدیکتر هستند. این القاط فرهنگی می‌تواند زمینه ارتباط مردم بین دو کشور را بیشتر کند موسوی، نادری و فیاض، ۱۳۹۹: ۱۸). میرزایی در مطالعه‌ای انطباق نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی که در مدارس و دانشگاه‌های ایران تحصیل کرده‌اند را با فرهنگ ایرانی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که مدارس و دانشگاه‌ها بهترین مکان برای جامعه‌پذیری و ادغام مهاجران در ایران قلمداد هستند و باعث شده‌اند نسل مهاجر تحصیل کرده که قصد بازگشت به افغانستان را ندارد، بهتر از نسلی تحصیل نکرده است با سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران، به‌خصوص از دیدگاه امنیتی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی، هم‌رنگ گردد که این موضوع اثرات خود را در جامعه ایران و افغانستان نشان داده است (میرزایی، ۱۳۹۶). جان پرور و همکاران در مطالعه‌ای بیان کردند ایران تلاش می‌کند از طریق گسترش همکاری‌های آموزشی، نفوذ سیاسی ایران در افغانستان را بیشتر کرده و در جهت افزایش و ارتقاء جایگاه و پرستیژ ایران در نظام بین‌الملل و ایفای نقش برتر در منطقه تلاش کند. در این مطالعه نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها و اسناد مربوط به توافقنامه‌های بین‌دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد با دانشگاه‌های کابل، قندهار، هرات، موسسه عالی اشراق و دانشگاه بلخ حاکی از قابلیت‌های اساسی دانشگاه

فردوسی مشهد در عرضه خدمات آموزش عالی فراملی از تبادل استاد و دانشجو گرفته تا راه-اندازی دوره کارشناسی ارشد و تاسیس یک شعبه دانشگاهی می‌باشد. در نهایت، این مقاله نمایانگر این موضوع است که ایران می‌تواند از همکاری‌های آموزشی برای نفوذ سیاسی بیشتر در کشور افغانستان بهره‌برداری کند (جان‌پرور، صالح آبادی و نادری چنار، ۱۳۹۷: ۱۳۱). عباسی در مقاله ای بیان کرده است که عناصر ژئوپلیتیکی از جمله ژئوپلیتیک مرزها، مواد مخدر، مهاجرت، قومیتها، استانهای مرزی و راههای مواصلاتی بین ایران و افغانستان به همان میزان که سبب ساز تهدیدات امنیتی مشترک شده است، به همان میزان فرصت‌های مشترکی برای همکاری بین دو کشور ایجاد کرده است که منطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک روابط دو کشور را در دوره نوین شکل می‌دهد (عباسی، ۱۳۹۱).

چهارچوب نظری پژوهش

موضوع مهاجرت پدیده ای میان رشته ای است و تا کنون از جوانب مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیستمی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس انواع مختلفی از تئوری های نظری برای تشریح مهاجرتها و دلایل آن مطرح شده اند (Brettell & Hollifield, 2014). دانشمندان علوم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سایر اندیشمندان هریک از دیدگاه نظری خود به پدیده مهاجرت نگرسته اند و بر اساس اینکه مهاجرت را از چه بعدی مورد بررسی قرار میدهند، نظریات خود را پروراندند. به همین دلیل هنوز نظریه ای واحد که بتواند به صورت جامع و یکپارچه مهاجرت را تحلیل کند ارائه نشده است و هریک به بخشی از مبانی مهم آن پرداخته اند. یکی از نظریه هایی که با وجود قدمت طولانی که دارد هنوز در بین نظریه پردازان مورد پذیرش است نظریه مهاجرت راونشتاین است. راونشتاین معتقد است مهاجران اغلب از مکانهایی با فرصت ها و امکانات شغلی کمتر به مکان هایی با فرصت های شغلی غنی تر مهاجرت میکنند. افراد ترجیح میدهند به مکان های نزدیکتر مهاجرت کنند، مگر اینکه نسبت سودی که از کشورهای دورتر عایدشان میشود بسیار بیشتر باشد. انگیزه اقتصادی در مهاجر هرچقدر پررنگ تر باشد، تمایل او به مهاجرت، حتی در فواصل طولانی تر بیشتر خواهد شد (Grigg, 1977; Ravenstein, 1889).

بر اساس این نظریه دو دسته عوامل جاذبه در مقصد و دافعه در مبدا در پدیدایی مهاجرت تاثیر دارند. عوامل جاذبه، عوامل جذاب موجود در مقصد هستند که مهاجرین را ترغیب به سفر و اقامت در مقصد میکنند و عوامل دافعه، عوامل منفی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... در مبدا هستند که افراد را ترغیب به ترک کردن آنها میکند. رشد امکانات، بهبود حمل و نقل، توسعه ارتباطات، پیشرفت صنعت تکنولوژی و تجارت رابطه مستقیمی با میزان تمایل به مهاجرت به کشور مقصد دارد.

راونشتاین بیان می کند که اغلب فاصله تکنولوژیکی بین نقطه مقصد و نقطه مبدا بسیار مشخص است و کشورهای مهاجر پذیر در پیشرفت صنعت و تکنولوژی بسیار بهتر از کشورهای مهاجر فرست عمل کرده اند. راونشتاین قوانینی کلی برای مهاجرت برمی شمرد که عبارتند از (Grigg, 1977; Ravenstein, 1889):

- مهاجرت و فاصله: رابطه معکوسی بین میزان مهاجرت بین دو نقطه و فاصله آن دو وجود دارد به صورتی که هرچه فاصله بین دو نقطه بیشتر شود احتمال مهاجرت از مبدا به مقصد کمتر میشود.
- مهاجرت مرحله ای: مهاجرت معمولاً پله پله اتفاق می افتد بدین صورت که مهاجران در ابتدا از روستا به شهر کوچک، از شهر کوچک به شهرهای بزرگ و سپس از شهرهای بزرگ به سایر کشورها مهاجرت می کنند. تازمانی که نیروهای جاذبه در شهرها و مراکز صنعتی وجود دارد، این اتفاق جریان خواهد داشت
- جریان و ضد جریان: هر منطقه میتواند علاوه بر مهاجر فرست بودن، خود نیز مهاجر پذیر باشد. همانطور که بسیاری افراد از روستا به شهر مهاجرت میکنند، مهاجرت در جریان عکس آن یعنی از شهر به روستا نیز در جریان است.
- اختلاف تمایل روستایی و شهری به مهاجرت: معمولاً تمایل روستاییان به مهاجرت به شهرها بیشتر از تمایل شهریان به مهاجرت است.
- تاثیر تکنولوژی و ارتباطات بر مهاجرت: هرچه رشد تکنولوژی و ارتباطات بیشتر باشد، میزان مهاجرت نیز افزایش خواهد یافت.

- انگیزه اقتصادی: عامل اقتصادی به عنوان مهمترین انگیزه مهاجرت شناخته میشود.
- مهاجرت زنان: عمدتاً زنان در فاصله مسافتی کوتاه تر مهاجرت میکنند.

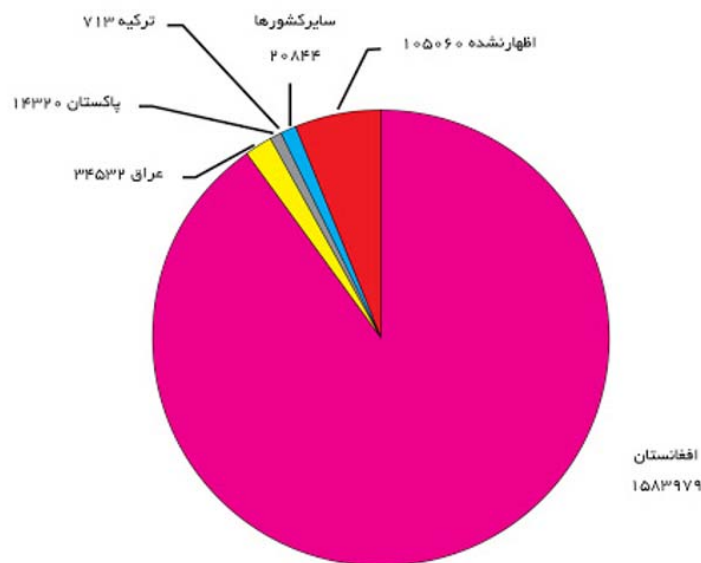
روش پژوهش

این مطالعه یک مطالعه تفسیری-کیفی از نوع مطالعه موردی است که در سال ۱۴۰۰ به شکل کتابخانه ای از منابع مختلف اینترنتی و غیر اینترنتی و به روش فیش برداری انجام شده است. در روش تفسیری-کیفی و از نوع موردی، محقق وضع موجود در یک مورد بخصوص را بررسی می کند و به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی و مولفه های به وجود آورنده ی آن می پردازد و ویژگی ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می نماید. پژوهش کیفی حاضر از نظر هدف و ماهیت مطالعه ای کاربردی و اکتشافی طبقه بندی میگردد که می توان از نتایج آن در تصمیمات فرادستی استفاده کرد.

برای جمع آوری اطلاعات در زمینه های مبانی نظری و ادبیات تحقیق و پیشینه از کتاب ها، پایان نامه ها، مقالات و پایگاه های اطلاعاتی استفاده شده است. ابزار گرد آوری اطلاعات فیش برداری می باشد، که روشی معمول در پایان نامه ها و مقالات علوم انسانی است، به این صورت که کتب و مقالات نوشته شده و همچنین شبکه های کامپیوتری مرتبط با موضوع پایان نامه به دقت مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل و فیش بندی قرار گرفته؛ سپس این فیش ها مرتب و فصل بندی می گردد. در تهیه و گردآوری سعی شده است با استفاده از روش مقایسه ای، در هر زمینه که مربوط به موضوع باشد، واقعیت هایی به دست آید که با مقایسه و سازماندهی آنها به فرض صحیحی نسبت به موضوع دست یافته شود. بدین منظور منابع موجود از حیث درجه اطمینان و واقعیت پذیر بودنشان طبقه بندی شده اند و منابعی که بیشتر از سایرین مبتنی بر شواهد بودند انتخاب شده و در نگارش مقاله مورد استفاده قرار گرفتند. سپس کلیه اطلاعات جمع آوری شده از منابع معتبر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته های پژوهش

طبق گزارش جهانی مهاجرت که در سال ۲۰۲۰ منتشر شد، ایران جزو ده کشور اول آسیایی پناهنده پذیر در جهان است که عمده ترین پناهنده های ورودی آن از کشور افغانستان است. (UNION-Migration, 2020)



شکل ۱. توزیع جمعیت اتباع خارجی در ایران در سال ۱۳۹۵ (منبع سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)

مهاجرت و پناهندگی از افغانستان به سایر کشورها از ۲,۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۷ به ۲,۷ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ افزایش پیدا کرده است که این رقم افزایش عمدتاً به دلیل افزایش زاد و ولد افغان ها در طول سالیان اخیر است و عمده مهاجرین این کشور به ایران پناهنده شده اند. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۸ با اینکه نرخ پناهنده پذیری و میزبانی ایران چندین برابر نرخ پناهندگی و مهاجرت ایرانیان بوده است. در سال ۲۰۱۸ تعداد پناهندگان افغانستانی ساکن در ایران که دارای اجازه نامی رسمی پناهدگی هستند به ۱ میلیون نفر رسیده است که این موضوع ایران را به ششمین کشور پناهنده پذیر جهان تبدیل کرده است (UNHCR, 2019)

مطالعات نشان می‌دهد که به طور کل تا کنون، حدود ۳,۹ میلیون افغانستانی به دلیل مسایل مختلف اعم از هرج و مرج و خشونت داخلی به کشورهای اطراف (عمدتا ایران و سپس پاکستان) پناهنده شده‌اند. با این حال تعداد قابل توجهی از این افراد به کشور خود بازگشته‌اند. افغانستان پس از سوریه بیشترین تعداد پناهندگان به کشورهای اطراف (عمدتا ایران) در جهان را دارد. و نزدیکی ایران و پاکستان به افغانستان عمده ترین دلیل مهاجرت آنها به این کشورها است (UNHCR, 2019; UNION-Migration, 2020)

برای اولین بار در سال ۱۳۶۰ سرشماری رسمی از افغان‌ها در ایران انجام گرفت. در این شمارش تعداد افغانستانیان مقیم ایران بیش از ۲۶۴۰۰۰۰ نفر بود. از آن پس افغانستانیان امکان بیشتری برای استفاده از تجهیزات و امکانات، بهداشتی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و مدنی داشتند زیرا بر طبق سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، مهاجرین تایید شده در ایران اجازه استفاده از تمام امکانات را در ایران دارند (دفتر اتباع و مهاجرین وزارت خارجه، ۱۳۸۶).

میزان مهاجران باسواد افغانستانی در ایران زیر ۳۰ درصد است. تا چندی پیش از هر ۵ مرد و از هر ۲۰ زن تنها یک نفر قادر به نوشتن بود (یوردخانی، ۱۳۹۱)، اما تعداد باسوادان در میان افغانستانیان خصوصاً کودکان و نوجوانان افغانستانی که به مدارس ایران می‌روند روز به روز در حال افزایش است. همینک بیش از ۴۲۰ هزار دانش آموز افغانستانی و ایرانی در حال تحصیل در مدارس کشور هستند که ۱۲۳ هزار نفر از این دانش آموزان فاقد مدارک مربوط به پناهندگی هستند. امروزه سالانه حدود ۳۰۰۰ نفر از افغانستانیان از طریق کنکور وارد دانشگاه‌های سراسر کشور میشوند و بیش از ۱۶ هزار نفر در زمینه علوم دینی در حال تحصیل هستند. در گذشته بیشتر دختران افغانستانی اجازه ادامه تحصیل نداشتند ولی در سالهای اخیر روز به روز بر تعداد دختران مهاجر تحصیل کرده (حتی در سطح تحصیلات تکمیلی) افزوده می‌گردد. (میرزائی، ۱۳۹۶)

عمدتا مهاجران افغانستانی اهل تسنن به استانهای آذربایجان غربی، کردستان و بلوچستان و استانهای اهل تشیع به استانهای تهران، ایلام، قم، لرستان مهاجرت میکنند. زیرا افراد اهل تسنن در مکانهایی از ایران که این مذهب در آن شایع تر است بیشتر مورد قبول واقع میشوند. اقامت

مهاجران افغانستانی در ۱۵ استان ایران ممنوع است و بجز سه استان قم، البرز، تهران (بجز منطقه خُجیر در منطقه ۱۳) در مابقی استان‌ها در بعضی شهرستان‌ها فقط حق اقامت دارند (عزیزی، ۱۳۹۲).

بیشترین آمار افغانستانیان مهاجر در ایران مربوط به مهاجرت فردی است و ۵۲٪ افغانستانیان مهاجر به ایران به صورت فردی و تنها به این کشور آمده‌اند. و عمدتاً شامل مردان مهاجر هستند که به قصد کار و درآمد مهاجرت کرده‌اند. پس از آن به ترتیب خانوارهای دو نفره با ۷٫۹۵٪ و خانوارهای سه نفره با ۷٫۵۲٪ در مقام دوم و سوم قرار دارند. درصد اعظم افغانستانیان ساکن ایران جوان هستند و در این میان سیستان بلوچستان و گلستان بیشترین درصد جمعیت جوان افغانستانی را در کشور به خود اختصاص داده است (دهقان‌هامانی، ۱۳۹۰؛ یوردخانی، ۱۳۹۱).

امروزه مهاجران نسل دوم و سوم افغانستانی که عمدتاً کل و یا بیشتر عمر خود را در ایران سپری کرده‌اند کمتر به فکر بازگشت به کشور خود هستند. بیش از ۶۰ درصد مهاجرین افغانستانی که در حال حاضر در ایران زندگی میکنند، در ایران متولد شده‌اند. حدود چهار دهه از زمان حضور مهاجران می‌گذرد. مهاجران نسل اول غالباً با خانواده وارد ایران شدند و در ایران فرزندان به دنیا آوردند و با توجه به الگوی باروری بالایی که بعد از انقلاب حتی در بین ایرانی‌ها وجود داشت مهاجرین نیز سطح باروری‌شان از ایرانی‌ها بالاتر رفت و فرزندان که در ایران به دنیا آمدند بیشتر از تعداد افرادی بودند که به شکل مهاجر وارد ایران شده بودند به همین دلیل پس از گذشت چهار دهه، در ایران با جمعیتی روبرو هستیم که در تعریف مهاجر نمی‌گنجد اینها کسانی هستند که در ایران متولد شده‌اند و به عنوان نسل دومی‌ها و سومی‌ها محسوب می‌شوند. این نسل‌ها در کنار دانش‌آموزان ایرانی به مدرسه رفته و تحصیل کرده‌اند. بسیاری از این افراد به تحصیلات تکمیلی راه یافته‌اند. در بدو ورود افغانستانیان به ایران تنها ۶٪ این افراد سواد خواندن و نوشتن داشتند اما امروزه ۷۰ درصد نسل دوم مهاجران افغانستانی تحصیل‌کرده هستند. علاوه بر تحصیلات بسیاری از آنها در طول سالهای زندگی خود آموزش‌های مهارتی دیده‌اند بسیاری از مهاجرین نسل دوم و سوم به

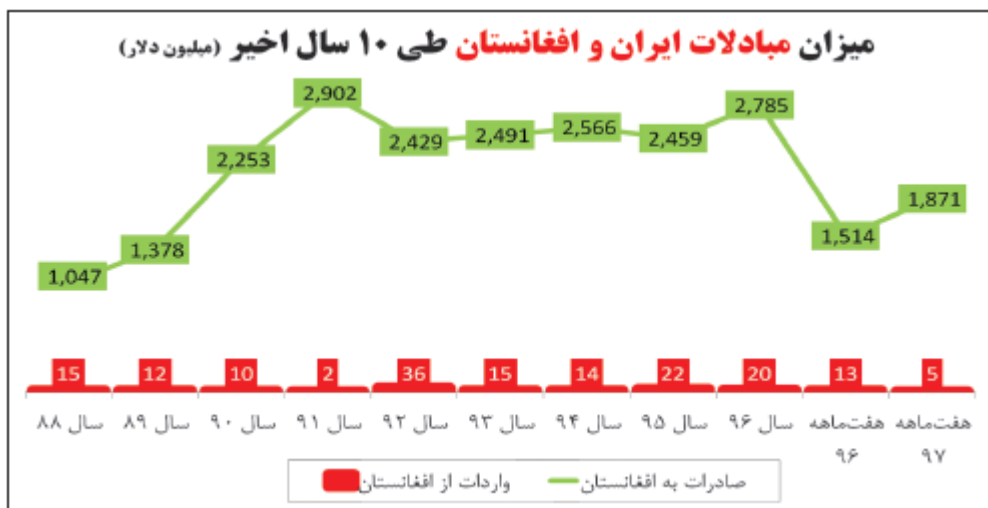
دلیل پایین بودن سطح اقتصادی خانواده ها، در کنار کسب علم به یادگیری خیاطی، بنایی، مکانیکی و... مشغول شدند و به عنوان نیروی کار ماهر شناخته میشوند. تجربه چهار دهه زندگی مهاجران افغانستانی در ایران تغییرات زیادی برای آنها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به همراه داشته است. مقایسه وضعیت افغانستانی ها در ایران با همتایانشان در افغانستان این تغییرات را به خوبی نشان می دهد. با این وجود، بسته به سیاستهای دولتی در ارائه خدمات و پذیرش مهاجران در برخی حوزه ها، نظیر آموزش و بهداشت، ادغام مهاجران با سرعت قابل توجهی همراه بوده است و تغییرات رخ داده بسیار محسوس است. اما در سایر حوزه ها و قلمروها نظیر تابعیت، اشتغال و بازار کار، مهاجران الگوی ادغام ناقص و جزئی داشته اند (صادقی، ۱۳۹۶)

ظرفیت های مهاجران افغانستانی در تحکیم پیوند ایران و افغانستان

با وجود تمام مشکلاتی که وجود و حضور اتباع خارجی علی الخصوص افغانستانی ها برای ایران داشته است، می توان به این تهدید به صورت یک فرصت نگریست و از ظرفیت های اقتصادی، فرهنگی و فردی افغانستانی ها برای بهبود وضعیت کشور، ارتقای قدرت نرم کشور و تحکیم پیوند ایران و افغانستان استفاده کرد. مطالعه تاریخچه کشورهای توسعه یافته ی مهاجر پذیر به خوبی حاکی از اهمیت و امکان استفاده از چنین فرصتی است.

ظرفیت های اقتصادی مهاجران افغانستانی

نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی بین افغانستان و ایران و روابط گسترده بین دو کشور باعث گسترش روابط تجاری بین این دو شده است و افغانستان را به یک بازار بزرگ برای ایران تبدیل کرده است. پس از سرنگونی طالبان و روی کار آمدن نظام سیاسی جدید در افغانستان روابط تجاری افغانستان و ایران افزایش چشمگیری داشته است. این روابط تاکنون بیشتر مشمول صادرات ایران به افغانستان بوده است.



شکل ۲. میزان مبادلات ایران و افغانستان طی ۱۰ سال اخیر (منبع: گزارش سال ۱۳۹۷ اداره آمار و اطلاعات افغانستان)

اداره آمار افغانستان اعلام کرده است که ایران با صدور کالای به ارزش یک میلیارد و ۲۴۷ میلیون دلار به این کشور، مقام اول را در کشورهای صادر کننده کالا و خدمات به این کشور دارد. حسیب الله موحد، معاون اداره آمار در تاریخ ۶ اسفند ۹۸ در یک نشست خبری در کابل بیان کرد که عمده کالاهای وارداتی به افغانستان عبارتند از مواد نفتی، گندم، ماشین آلات، روغن خوراکی، منسوجات، محصولات فلزی و برق. کل واردات افغانستان در سال ۳۸ میلیارد دلار اعلام شده است. البته به گفته موحد این رقم در حال کاهش است. ایران، اولین کشور صادر کننده به افغانستان است و پس از آن به ترتیب چین و پاکستان و بعد از آن کشورهای ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان نیز هرکدام سالانه حدود ۵۰۰ الی ۴۰۰ میلیون دلار به افغانستان صادر میکنند. کارشناسان اقتصادی و بازرگانان افغان معتقدند که میزان واقعی واردات افغانستان بیشتر از این مقدار اعلام شده است که به دلیل عدم کنترل کامل بر مرزها مقداری از کالا از طریق قاچاق وارد افغانستان می‌شود (نجفی، ۱۳۹۸).

بر اساس گزارش اداره آمار افغانستان؛ ارزش صادرات کالا و خدمات این کشور در سال ۱۳۹۸ خورشیدی یک و نیم میلیارد دلار بوده است. خدمات صادر شده عمدتاً شامل حمل و

نقل، استفاده از حریم هوایی و زمینی افغانستان، خدمات گردشگری، خدمات مالی و ساختمانی بوده است که در مقایسه با سال گذشته ۳.۱ درصد کاهش یافته است. بیشترین میزان صادرات افغانستان میوه خشک است که ارزشی بالغ بر ۳۰۲ میلیون دلار دارد. بعد از آن گیاهان طی، میوه تازه، سبزیجات و قالی از مهمترین اقلام صادراتی افغانستان هستند. بیشترین صادرات افغانستان به کشورهای هند، پاکستان، چین و ترکیه بوده است (نجفی، ۱۳۹۸)

مهاجرین افغانستانی، به عنوان افرادی که مدت های مدیدی در ایران زندگی کرده و از کالاهای ایرانی بهره میبردند، میتوانند مبلغین و بازاریابان خوبی برای کالاها و خدمات ایران در کشور خودشان باشند.

علاوه بر اینها و بر خلاف برداشت بسیاری از افراد، افغانستان کشوری غنی با فاصله طبقاتی بسیار است. حدود ۱۰٪ از مردم این کشور سرمایه قابل توجهی در اختیار دارند و تمایل به سرمایه گذاری در سایر کشورها دارند. به دلیل وجود محدودیت های متعددی که در ایران برای این سرمایه گذاران وضع شده است، این افراد تا کنون عمدتاً سرمایه خود را در کشورهای عربستان سعودی، امارات و کشورهای اروپایی صرف کرده اند. در حالیکه طبق بررسی های صورت گرفته تمایل بالایی در بین سرمایه داران این کشور به سرمایه گذاری در ایران وجود دارد. همینک در منطقه چابهار ۱۵۰ شرکت ثبت شده افغانی وجود دارد که به دلیل محدودیت های وضع شده نمیتوانند به کار خود ادامه دهند. یکی از بهترین راهها برای افزایش استفاده از ظرفیت های این کشور هموار سازی راههای سرمایه گذاری و ورود سرمایه از افغانستان به ایران است (عباسی، ۱۳۹۱)

علاوه بر این، از آنجا که عمدتاً مهاجران افغانستانی نسبت به شهروندان بومی جوان تر و معمولاً شاغل هستند، سود خالصی برای درآمد دولت دارند. افراد شاغل مالیات بر درآمد پرداخت می کنند، اما مزایایی مانند تحصیلات و حقوق بازنشستگی دریافت نمی کنند. جوانان نسبت به افراد مسن کمتر از خدمات بهداشتی استفاده می کنند.

ظرفیت های فردی مهاجران افغانستانی

مهاجرت خالص منجر به رشد اندازه نیروی کار و افزایش ظرفیت تولید اقتصادی خواهد شد. علاوه بر این مهاجرت منجر به رشد اقتصادی بالاتر همراه با افزایش درآمد مالیاتی و درآمدهای دولت می شود. نیروی انسانی، سازمانهای تولید کننده و سرمایه های مادی و معنوی سه عنصر مهم در رسیدن به تولید کالا و خدمات هستند. بین این سه مهمترین عنصر که نقش هماهنگ کننده بین سایر عناصر را نیز بر عهده دارد، نیروی انسانی است. منابع انسانی و کارگران مهمترین عامل هستند و موظفند در یک بنگاه اقتصادی با استفاده از سازمان های تولیدکننده و سرمایه بیشترین بهره وری را ایجاد کنند. سرمایه انسانی، بالاترین و با ارزش ترین و بزرگ ترین دارایی هر سازمان و کشوری محسوب می شود. نتیجه سود و زیان سازمان ها توسط سرمایه انسانی سازمان رقم زده میشود. این سرمایه در اثر استفاده بهینه، نه تنها کاهش نیابد بلکه توانمندتر و قدرتمند تر به کار خود ادامه میدهد (سلیمیفر، مصطفی، شعبانی و ذبیحی، ۲۰۰۹). مطالعات بیان میکنند که جوامعی توسعه می یابند که علاوه بر منابع و ذخایز طبیعی و سرمایه های مادی و فیزیکی، از منابع انسانی قابل توجهی برخوردار باشند؛ در واقع در این سال ها کشورهایی به رشد بیشتر اقتصادی نائل آمده اند که از سرمایه انسانی کافی و مناسب بهره مند بوده اند. تجارب سایر کشورها نشان میدهد که چطور نیروی کار ارزان، چه مهاجر باشند و چه غیر مهاجر در سازندگی و بالندگی کشورها نقش تاثیرگذار دارند. آلمان پس از جنگ جهانی دوم با کمبود شدید نیروی کار مواجه شد. در طی جنگ جهانی دوم ۷،۵-۶،۹ میلیون شهروند آلمانی که عمدتاً جوان بودند کشته شده بودند. در دهه ۱۹۵۰ اقتصاد رشد سریعی داشت، اما جنگ جهانی دوم تاثیر ناگواری بر اقتصاد این کشور باقی گذاشته بود که به راحتی قابل جبران نبود. به همین سبب، لازم بود آلمان برای تامین نیروی کار به بیرون از مرزهای خود چشم بدوزد. به همین دلیل قرارداد هایی برای تامین "کارگر مهمان" با کشورها همجوار و نزدیک به خود یعنی ایتالیا، اسپانیا، یونان، ترکیه و یوگوسلاوی سابق امضا کرد. به همین دلیل خیل عظیمی از کارگران ترک به آلمان آمدند و شروع به ساخت و ساز نمودند. کارگران ترکیه ای حاضر بودند در ازای دریافت دستمزدی بسیار کمتر

از دستمزد کارگران آلمانی کار کنند به همین دلیل خیل عظیمی از کارگران در آلمان به مشاغل سخت مشغول شده بودند. آلمان توانست ظرف دو دهه، یعنی تا سال ۱۹۷۳ به رشد و بالندگی که میخواست برسد (Diefendorf, 1993)

ژاپن از جمله سایر کشورهایی است که پس از جنگ جهانی دوم تخریب قابل ملاحظه‌ای را شاهد بوده است. دو شهر هیروشیما و ناگازاکی پس از حمله آمریکا با بمب اتم با خاک یکسان شده بودند. ژاپن در جریان جنگ نزدیک به ۲,۵ میلیون سرباز از دست داده بود و جمعیت آن از ۱۲۷ میلیون نفر به ۷۲ میلیون نفر رسیده بود. برای سازندگی مجدد ژاپن خیل عظیمی از کارگران مهاجر ارزان از کشورهای مختلف اعم از ایران به ژاپن رفتند و این کشور توانست ظرف مدت کوتاهی مجدداً به رشد و توسعه یافتگی مناسب برسد. امروزه ژاپن با داشتن تولید ناخالص داخلی به میزان ۵ تریلیون دلار سومین قدرت اقتصادی دنیا (پس از آمریکا و چین) است (Tsurumi, 2015).

رونق اقتصادی در چین از حدود چند دهه قبل آغاز شد. پیش از آن چین درگیر فقر و بیکاری گسترده در سراسر کشور بود. جمعیت این کشور نزدیک به ۱,۳ میلیارد نفر بود و دولت توان پاسخگویی به وضعیت معیشتی ملت را نداشت. بنابر این چین برای رسیدن به رشد و توسعه، شروع به تولید کالاهایی با کیفیت نه چندان خوب ولی ارزان قیمت کرد. رمز تولیدات ارزان چین در کارگران و نیروی انسانی بسیار ارزان مشغول به کار در کارخانه‌ها و تولیداتی‌های این کشور بود. بدین سبب ظرف مدت کوتاهی چین خود را به بزرگترین صادرکننده کالا در جهان و دومین قدرت اقتصادی دنیا تبدیل کرد (Kalathil, 2017)

تجربه جهانی نشان داده است که مهاجران غالباً با اندوخته ثروت اندک وارد می‌شوند، بنابراین انگیزه بیشتری برای تلاش برای ساختن زندگی برای خود دارند. همچنین، مطالعات نشان داده است که افرادی که مایل به ترک کشور خویش و کار در کشور خارجی هستند، بلندپروازترین و مایل به ریسک‌ترین افراد کشور هستند و در نتیجه تلاش و دقت بالایی در انجام وظایفشان به خرج میدهند. مهاجران جوان و متحرک غالباً کارآفرین نیز هستند و توانایی این را دارند که محصولات نوآورانه ایجاد کنند. اقتصاد آمریکا نمونه‌ای از مهاجرت مهاجران

خلاق و کارآفرین به آمریکا و تأسیس شرکتهای کلاسیک آمریکایی بوده است - که منجر به افزایش کیفیت زندگی در سراسر آمریکا شد. به عنوان مثال، پدر استیو جابز (عبدالفتاح جندلی) مهاجری از سوریه، الکساندر گراهام بل، مخترع تلفن از اسکاتلند؛ جف بزوس، خالق آمازون از کوبا و سرگئی برین، خالق گوگل یک مهاجر روسی بوده است.

همانطور که پیشتر گفته شد، کارگران افغانستانی در ایران حاضر به انجام کارهایی سخت با دستمزد پایین هستند. کارهایی که عمدتاً کارگران ایرانی حاضر نیستند با چنین دستمزد هایی به انجام آن پردازند. آمارهای رسمی و غیر رسمی بیان میکنند که نرخ بیکاری در افغانستان به ۴۰ درصد میرسد (AfghanistanNews, 2020) ولی در ایران کمتر مهاجر افغانستانی را میتوان یافت که به شغلی اشتغال نداشته باشد. با توجه به تجربه حاصل از رشد و بالندگی کشورهای توسعه یافته، استفاده از نیروی انسانی ارزان قیمت رمز پیشرفت و توسعه در مدت زمان کوتاه است. بنابر این میتوان از سرمایه کارگران افغانستانی ارزان در کشور استفاده نمود و مسیر ساخت و ساز و توسعه را با سرعت هرچه تمام تر در نوردید. علاوه بر این بعضی از مشاغل معمولاً به دلیل پایین بودن دستمزد و یا اعتبار و منزلتی که برای این نوع کارها وجود دارد، مورد استقبال کارگران بومی قرار نمیگیرند. مهاجرت کارگران انعطاف پذیر افغانستانی به کارفرمایان کمک میکند که جای خالی نیروی کار برای چنین مشاغلی را پرکنند. همچنین، اگر مشاغل کم مهارت توسط مهاجران اجرا شود، کارگران بومی قادر می شوند تا کارهایی که نیاز به مهارت بیشتر داشته و دستمزد بهتری دارد را بر عهده بگیرند

علاوه بر این، نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی در ایران، در کنار سایر دانش آموزان ایرانی به تحصیل پرداخته و جامعه پذیر شده اند. امروزه حدود ۷۰ درصد نسل دوم و سوم افغانستانیان مقیم ایران تحصیل کرده هستند و بسیاری از آنها علاوه بر آموزش تعلیم مدرسه به آموزش مهارت هایی همچون خیاطی، بنایی، نقاشی، مکانیکی، آشپزی، و غیره پرداخته اند و نه تنها در امور تحصیلی ظرفیت های قابل توجهی دارند، در مشاغل یدی نیز بسیار ماهر و توانمند هستند. بنابراین میتوان از این ظرفیت نیروی انسانی نسل دوم و سوم افغانستانی های مقیم ایران در بازار کار ایران به خوبی بهره برد (صادقی، ۱۳۹۶)

یکی از دلایل مخالفت با حضور مهاجران افغانستانی این است که آنها ممکن است فرصت اشتغال را از نیروی کار ایرانی بگیرند. باید توجه داشت که این اعتقاد به سبب مغالطه فکری ناشی از ترس ثابت بودن تعداد مشاغل است. تجربه موفق کشورهای توسعه یافته نظیر کانادا، ژاپن، استرالیا و ... نشان داده است که فعالیت مهاجران در امور تولیدی و خدماتی، به سبب ایجاد رونق در بازار تقاضای جدیدی در بخش خدمات و کالا ایجاد می کنند. مهاجران به رشد تولید ناخالص داخلی کمک می کنند و همین موضوع منجر به افزایش تعداد فرصت های شغلی میشود. علاوه بر این یکی از نگرانی های جمهوری اسلامی ایران کاهش نرخ زالد و ولد در ایران است و پیش بینی میشود در آینده ایران تبدیل به یک کشور پیر گردد که نرخ زاد و ولد پایین و افزایش جمعیت آن باعث افزایش نسبت وابستگی مشود (افزایش نسبت کارگران پیر به جوانان). این امر مراقبت های بهداشتی اجتماعی، درآمد و هزینه های دولت را با مشکل مواجه میسازد. مهاجرت موثرترین سیاست برای مقابله با سالخوردگی جمعیت است، زیرا اجازه می دهد کمبودهای مراقبت های بهداشتی و اجتماعی با کارگران جوانی که سهم خالصی در افزایش درآمد دولت دارند و نیروی کار را تقویت می کنند، پر شود.

ظرفیت های فرهنگی مهاجران افغانستانی

در دنیای پیشرفته امروزی هر کشوری قصد دارد باورها و خطوط فکری جامعه خویش را به کشورهای دیگر منتقل کند و ارتباطات ابزاری قوی در پهنه تعاملات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی می باشد. هالیوود مثال واضحی از این تلاش فرهنگی است. آمریکا سالانه میلیاردها صرف تولید و هزینه فیلم های هالیوودی میکند تا برداشت خوبی از کشورش بر ذهن جهانیان برجای بگذارد. کشوری که خط سیر فکری و فرهنگی مشابهی با کشوری دیگر پیدا کند میتواند متحد خوبی در گفتمان های سیاسی و نظامی برای آن کشور باشد، از کالاها و خدمات تولیدی آن کشور بیشتر خریداری کند و ... (نجفبیگی & حسینزادگان، ۲۰۱۱)

سینما و تلویزیون و دیگر تولیدات تصویری نقش مهمی در ترویج افکار، رفتار، ارزش‌ها و باورها در بین مخاطبان دارند و این موضوع را می‌توان به نوعی با تعداد مخاطبان آن (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) ارزیابی کرد. گسترش و بهبود سطح کمی و کیفی آثار تصویری تأثیر بسزایی در رشد ابعاد فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نیز انتقال فرهنگی جامعه خواهد گذاشت. ایران از جمله کشورهایی است که سابقه غنی در صدا و سیما و ادبیات دارد و به دلیل تشابهات زبانی و فرهنگی که با افغانستان داشته است، از دیرباز مورد توجه شهروندان افغانستانی قرار گرفته است. از طرفی صدا و سیما افغانستان به دلیل مشکلات عدیده ای که در سالهای گذشته داشته اند، به خوبی ایران پیشرفت نداشته است. فیلم‌های سینمایی ایرانی با توجه به مشترکات تمدنی و فرهنگی عدیده بین دو کشور، بویژه زبان فارسی، توانسته است مخاطبان زیادی در افغانستان به خود جذب کند و بدون شک در صورت پخش بیشتر محصولات هنری مذکور توجه بینندگان بیشتری را با به خود جلب خواهد کرد. پخش سریال‌های ایرانی در برخی تلویزیون‌ها و بازار داغ تأثیرگذاری این سریال‌ها در جریان مناسبت‌هایی مانند ماه محرم و ماه رمضان، محسوس و قابل توجه است. علت جذابیت فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی ایرانی در افغانستان، عمدتاً هم‌فرهنگی، هم‌دینی، هم‌زبانی است (بشیر & کشانی، ۱۳۹۸) از طرفی حضور مهاجران افغانستانی در دهه‌های اخیر در ایران از مهمترین دلایل جذب شدن افغانستانیان به برنامه‌ها و سریال‌های ایرانی است. افغانستانیانی که با برنامه‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی عجین شده است، پس از بازگشت دایم یا موقت به وطن خویش نیز این علاقه مندی را پیگیری میکنند و سایرین را نیز ترغیب به دیدن آن مینمایند. سریال‌های ایرانی که در جریان ماه‌های رمضان و محرم پخش می‌شود، اکثراً سریال‌های عقیدتی است که با فرهنگ اسلامی و زبان افغانستانی‌ها هم‌خوانی دارد. در ایامی که سریال‌های ایرانی در شبکه‌های تلویزیونی افغانستان به نمایش در می‌آید، مردم تمام برنامه‌های مورد علاقه خود را ترک کرده و تماشای این سریال‌ها را ترجیح می‌دهند و بدون شک این خود بیانگر تأثیرگذاری این سریال‌ها در جامعه افغانستان است (بشیر و کشانی، ۱۳۹۸).

نتیجه گیری

مهاجرت مردم افغانستان به ایران پدیده ای است که در طول دهه های گذشته به شدت گسترش یافته است و افغانستانیان بیشترین تعداد مهاجران ساکن ایران را تشکیل می دهند. مهاجرت افغان ها به ایران پیامدهای متعددی به دنبال داشته است که از جمله آنها میتوان به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانستانی بر کشور ایران اشاره کرد. مهاجرت میلیونها افغانی به کشور، تناسب بین نیروی کار و فرصتهای شغلی ایجاد شده در ایران را بر هم زده است و تعداد فرصت های شغلی برای جمعیت بومی کشور کاهش یافته است. تعداد زیادی از این مهاجران بدون داشتن اجازه اقامت و شناسنامه ایرانی به ازدواج با دختران ایرانی اقدام کردند که همین موضوع کشور را با بحران کودکان بدون شناسنامه مواجه کرده است. رفت و آمد این مهاجران به افغانستان، احتمال ورود کالاهای قاچاق علی الخصوص تریاک و مواد مخدر را افزایش داده است و بزهکاری و رفتارهای مجرمانه در نواحی مهاجر نشین افزایش یافته است. همه این موارد به عنوان تهدیداتی در زمینه ورود مهاجران افغانستانی به کشور قلمداد می شود که تا کنون در بسیاری از مطالعات مورد توجه قرار گرفته است (امامی تاج الدین و جهانی، ۱۳۹۸: ۹۷). (حسینی *et al.*, 1397). (امامی تاج الدین و جهانی، ۱۳۹۸: ۹۷). (عیسی زاده و مهرانفر، ۱۳۹۲) (کریمی موغاری، ۱۳۸۳)

با این حال با مدیریت و برنامه ریزی صحیح حضور مهاجران افغانستانی در کشور را میتوان به یک فرصت تبدیل کرد و از آن برای افزایش توان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بهره برد. حضور نیروی کار ارزان افغانستانی اگر به خوبی مدیریت شود میتواند منجر به رونق تولید و در نتیجه پیشرفت اقتصادی کشور گردد و با توجه به حجم بالای نیروی کار ماهر و تحصیلکرده در کشور باعث میشود نیروی کار ماهر ایرانی بجای اشتغال در شغل هایی که به مهارت کمتری نیاز دارند، نیروی خود را صرف امور تخصصی نمایند. داشتن زبان و فرهنگ مشترک بین دو کشور سهم مهمی در انتقال عناصر فرهنگی به کشور همسایه و جذب آرای عمومی آنها می شود که این موضوع از عناصر اصلی افزایش قدرت نرم یک کشور محسوب می شود.

علاوه بر این برخورد و استفاده مناسب از ظرفیت های افغانستانیان ساکن ایران می تواند در تحکیم روابط بین ایران و افغانستان تاثیر گذاشته و جایگاه هر دو کشور را در سطح منطقه بهبود ببخشد. افزایش ارتباط بین دو کشور از طریق مهاجران، میتواند در بهبود صنعت صادرات و واردات هر دو کشور و پیشرفت اقتصادی شان تاثیر مثبتی داشته باشد. ارتقای روابط دوستانه بین دو کشور در افزایش توان نظامی و امنیتی هریک از کشور ها سهم قابل توجهی دارد و می تواند به عنوان یک سپر دفاعی در مقابل دشمنان آتی عمل کند. استفاده از چنین ظرفیتی نیازمند برنامه ریزی های دولتی و کشوری مناسب و اقدامات دولتی هر دو کشور است تا بتوان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد و روابط دوستانه بین دو کشور را ارتقا داد.

کتابنامه

۱. امامی تاج الدین، سروش، و جهانی، مهدی (۱۳۹۸). تحلیل اثرات مهاجرت های بین المللی بر افزایش آسیب های اقتصادی و اجتماعی در جامعه میزبان (مطالعه موردی: مهاجران افغانستانی شهر مشهد). فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان رضوی، ۱۱(۴۴)، ۹۷-۱۲۳.
۲. بشیر، ح. و کشانی، م. ج. (۱۳۹۸). ارتباطات میان فرهنگی افغان های مقیم ایران با ایرانیان بر پایه نظریه هم فرهنگی. فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، ۱۴(۴۱)، ۹-۳۰.
۳. حسینی، س. م.، باصری، ب. و عباسی، غ. (۱۳۹۷). آسیب شناسی چگونگی اثرگذاری فشار عرضه مهاجران افغانستانی بر بیکاری در ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۸(۷۰)، ۲۰۹-۲۴۳.
doi:10.22054/joer.2018.9565
۴. دهقان همامانی. (۱۳۹۰). بررسی فاصله روانی- اجتماعی بین مردم ایران و مهاجرین افغان و تاثیر آن بر جرایم ارتكابی افغانها. (کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی)، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران، گروه حقوق.
۵. سلیمی فر، مصطفی، شعبانی، و ذبیحی. (۲۰۰۹). نقش سرمایه انسانی در تولید صنایع استان خراسان شمالی (با تاکید بر صنایع رنگ). دانش و توسعه، ۱۶.
۶. صادقی. (۱۳۹۶). سرگردان میان هویت ایرانی یا افغانستانی! مصائب نسل دوم مهاجرین در گفت و گوی شفقتا با دکتر رسول صادقی. Retrieved from <https://af.shafaqna.com/FA/253245>
۷. عباسی، ا. (۱۳۹۱). عناصر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی محلی در توسعه روابط دوجانبه ایران و افغانستان. فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، ۸(۲۷)، ۱۸۲-۲۱۵.
۸. عزیزی، پ. (۱۳۹۲). بررسی نقش مهاجرین افغانی بر ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی شهرستان پاکدشت (کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
۹. عیسی زاده، س. و مهرانفر، ج. (۱۳۹۲). تاثیر مهاجرین افغانستان بر سطح اشتغال و دستمزد در بخش ساختمان اقتصاد ایران. مطالعات و سیاست های اقتصادی (سیاست های اقتصادی-نامه مفید)، ۹(۱۹) ۲(۹۹)، -.
۱۰. کریمی موغاری، ز. (۱۳۸۳). تاثیر مهاجرین افغانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران. پژوهشهای اقتصادی ایران، ۶(۱۸)، -.

۱۱. میرزائی، ح. (۱۳۹۶). بررسی انطباق تحصیلی مهاجران افغانستانی در ایران. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی, ۴(۱۱), ۴۳-۸۴. doi:10.22054/rjsw.2017.9650

۱۲. نجف‌بیگی, و حسین‌زادگان. (۲۰۱۱). جهانی شدن و تجارت کالاهای فرهنگی کشور. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی, ۲(۲), ۴۷-۷۲.

۱۳. نجفی, م. ع. (۱۳۹۸). تولید ناخالص داخلی افغانستان بعد از سقوط طالبان. معارف اسلامی و اقتصاد, ۴(۸), ۱۷۸-۲۰۷.

۱۴. یوردخانی, ش. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر مهاجران افغان بر مسائل اقتصادی, اجتماعی, سیاسی شهرستان سمنان. (کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی), دانشگاه آزاد اسلامی, واحد گرمسار.

۱۵. موسوی, سیدمحمدحسن؛ نادری, احمد و فیاض, ابراهیم (۱۳۹۹). هویت و بازتعریف آن در نسل دوم مهاجران افغانستانی ساکن ایران. پای‌ان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران, کتابخانه دانشگاه علوم اجتماعی, شماره مدرک ۳۱۳۸۶۲

۱۶. جان‌پرور, محسن, صالح‌آبادی, ریحانه, نادری چناره, و زکیه. (۱۳۹۷). تبیین جایگاه قدرت نرم در افزایش نفوذ سیاسی ایران در افغانستان مورد: همکاری‌های علمی ایران-افغانستان. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی, ۳(۴), ۱۵۷-۱۲۹.

17. Adamson, F. B., & Tsourapas, G. (2019). Migration diplomacy in world politics. *International Studies Perspectives*, 20(2), 113-128.

18. AfghanistanNews. (2020). نرخ بیکاری در افغانستان به ۴۰ درصد رسید. Retrieved from www.aa.com.tr/fa/۷۶۵۵۵۰-درصد-رسید-۴۰-درصد-بیکاری-در-افغانستان-به-۴۰-درصد-رسید

19. Brettell, C. B., & Hollifield, J. F. (2014). *Migration theory: Talking across disciplines*: Routledge.

20. Diefendorf, J. M. (1993). *In the wake of war: the reconstruction of German cities after World War II*: Oxford University Press.

21. Dustmann, C., Frattini, T., & Halls, C. (2010). Assessing the Fiscal Costs and Benefits of A8 Migration to the UK. *Fiscal Studies*, 31(1), 1-41.

22. Grigg, D. B. (1977). EG Ravenstein and the "laws of migration". *Journal of Historical geography*, 3(1), ۵۴-۴۱

23. Kalathil, S. (2017). *Beyond the great firewall: How China became a global information power*: Center for International Media Assistance Washington, DC.

24. Nye Jr, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics: Public affairs*.

25. Pan, S .Y. (2013). Confucius Institute project: China's cultural diplomacy and soft power projection. *Asian Education and Development Studies*.
26. Ravenstein, E. G. (1889). The laws of migration. *Journal of the royal statistical society*, 52(2), 241-305.
27. Tsurumi, K. (2015). *Social change and the individual: Japan before and after defeat in World War II*: Princeton University Press.
28. UNHCR. (2019). Afghanistan refugee in Iran. Retrieved from <https://www.unhcr.org/>
29. UNION-Migration. (2020). world migration report 2020. Retrieved from https://publications.iom.int/system/files/pdf/wmr_2020.pdf
30. Zamorano, M. M. (2016). Reframing cultural diplomacy: the instrumentalization of culture under the soft power theory. *Culture Unbound*, 8(2), 165-186.